

متن شناسی شاهنامه‌ی فردوسی

مجموعه مقالات

در چگونگی کتابت، چاپ، تحقیق و تصحیح شاهنامه‌ی فردوسی

به کوشش

دکتر منصور رستگار فسائی

رستگار فسایی، منصور، ۱۳۱۷ - گردآورنده.
 متن‌شناسی شاهنامه‌ی فردوسی: مجموعه مقالات در چگونگی کتابت، چاپ، تحقیق و تصحیح
 شاهنامه‌ی فردوسی / به کوشش منصور رستگار فسایی؛ با همکاری مؤسسه‌ی آموزش عالی حافظ
 شیراز - تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
 شانزده، ۱۷۹ ص. - (میراث مکتوب؛ ۱۴۱، متن‌پژوهی و نسخه‌شناسی؛ ۳)
 ISBN 964-8700-20-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیها.
 صفحه عنوان لاتینی شده:
 MATN SHINĀSĪ-YI SHĀHNĀ FIRDAWŠ(MAH-YI
 به‌مناسبت همایش بین‌المللی متن‌پژوهی شاهنامه‌ی فردوسی از شیراز تا توس ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت
 ۱۳۸۵، شیراز - مشهد.
 ۱. فردوسی، ابوالقاسم. ۳۲۹ - ۳۲۱۶ق. شاهنامه - کتابشناسی. ۲. فردوسی، ابوالقاسم. ۳۲۹ -
 ۳۲۱۶ق. شاهنامه - نسخه‌های خطی. ۲. فردوسی، ابوالقاسم. ۳۲۹ - ۳۲۱۶ق. شاهنامه - تصحیح انتقادی.
 الف. مرکز پژوهشی میراث مکتوب ب. عنوان.
 ۲ م ۵ / Z ۸۵۷۳ ۱۶ / ۸ تا ۱۲۱
 ۸۵ - ۵۱۶۱ م
 کتابخانه ملی ایران



متن‌شناسی شاهنامه‌ی فردوسی

مجموعه مقالات در چگونگی کتابت، چاپ، تحقیق و تصحیح شاهنامه فردوسی

به کوشش: دکتر منصور رستگار فسایی

ناشر: میراث مکتوب با همکاری مؤسسه‌ی آموزش عالی حافظ شیراز

مدیر تولید: علی اوجبی

طراح و صفحه‌آرا: محمود خانی

ناظر فنی و چاپ: حسین شاملوفرد

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شاپک: ۶ - ۲۰ - ۸۷۰۰ - ۹۶۴

لیتوگرافی: دهکده؛ چاپ: کسری

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: toolid@MirasMaktoob.ir

http://www. MirasMaktoob.ir

(به مناسبت همایش بین‌المللی متن‌پژوهی شاهنامه‌ی فردوسی از شیراز تا توس)

۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵، شیراز - مشهد



دریایی از فرهنگ پر مایه اسلام و ایران در نسخه های خطی موجود می نهند. این نسخه ها، حقیقت، کارنامه دانشمندان و نویسندگان بزرگ هویت نامه ما ایرانیان است. برعهده هر کسی است که این میراث پرجا را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به هیأ و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باینده کوشش هایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تدقیق و آشنایانجام گرفته و صد و یک کتاب در سال از رشته انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و نشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بار بار طبع رسیده و بنطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

اینها نشر کتابها در سال های خطی و خطی است بر روش محققان و مؤسسات فرسپخته. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۴ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش های محققان و محققان، و با مشارکت با شران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سببی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای از رشته های متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

از فعالیت های دیگر مرکز ارج نهادن به کوشش های ایران شناسان و اسلام شناسان است که با جست و جوی خود در رشد و بالندگی فرهنگ ایرانی - اسلامی و حفظ و توسعه روابط فرهنگی ایران با سایر کشورها کوشش می کنند مجموعه جشن نامه های نیز برای نیل به همین هدف تهیه و تدوین شده است تا نشان قدر دانی و سپاس ما از یکی از دلسوزان فرهنگ ایرانی - اسلامی باشد.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	ته
۱. جهان شاهنامه‌شناسی / دکتر محمدامین ریاحی	۱
۲. شاهنامه از خطی تا چاپی / ایرج افشار	۲۱
۳. کارهایی که در تصحیح شاهنامه باید انجام داد / دکتر پرویز نائل خانلری	۴۵
۴. [دانشی به نام شاهنامه‌شناسی] پیشگفتار بر نخستین دفتر از تصحیح شاهنامه	
دکتر جلال خالقی مطلق	۵۱
۵. شاهنامه‌ی فردوسی کتابخانه‌ی فلورانس / محمد روشن	۷۳
۶. کیفیت افزایش و کاهش روایات و ابیات شاهنامه / سیاوش روزبهان	۸۱
۷. در جست‌وجوی شاهنامه‌ی صحیح / مسعود فرزاد	۹۹
۸. مشکلات تصحیح انتقادی شاهنامه / دکتر منوچهر مرتضوی	۱۱۳
۹. نکاتی درباره‌ی چاپ‌ها و نسخه‌های خطی شاهنامه / دکتر منوچهر مرتضوی	۱۱۵
۱۰. فردوسی ساختگی و جنون اصلاح اشعار / مجتبی میزوی	۱۲۱
۱۱. پیشگفتار شاهنامه‌ی فردوسی، چاپ عکسی، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی بریتانیا	
محمود امیدسالار	۱۳۹

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

شاید کار نظم شاهنامه به وسیله‌ی فردوسی هنوز به پایان نرسیده بود که مردم ایران، شاعر بزرگ خود را شناختند و به کتاب او دل بستند و «شاهنامه»، کتاب مردم ایران شد. «شاهنامه» ورد زبان‌ها گشت و داستان‌ها و اندیشه‌های فردوسی، چراغ راه فارسی‌زبانان در شناخت فرهنگ و هویت دیرین ایرانیان و به قولی «شناسنامه»ی مردم ایران گردید. به همین دلیل است که می‌بینیم، هم‌روزگاران شاعر، مشتاقانه به نزد او می‌رفتند و از روی کتاب وی، نسخه‌ها برمی‌داشتند:

بزرگان و با دانش آزادگان	نیشته هر یک سخن رایگان
نشسته نظاره من از دورشان	تو گفتی بدم پیش مزدورشان
جز احسنت از ایشان نبد به‌رهام	بگفت اندر احسنتشان زهرام

و در حدود سال ۴۰۰ هجری که فردوسی از تحریر نهایی شاهنامه برآسود، به چنان شهرت و محبوبیتی در میان مردم ایران و یارسی‌زبانان جهان دست یافته بود که شعر و سخن‌های او به خاطره‌ها سپرده شده بود و سینه به سینه

برای دیگران نقل می‌شد و برای نخستین بار در این هنگام، در زبان فارسی کتابی پدید آمد که در همه‌ی دل‌ها جای داشت و گروهی راوی و حافظ آن شدند و سخن فردوسی، نماد درست‌گویی و درست‌نویسی زبان فارسی گشت. امروزه، ما به درستی نمی‌دانیم که آن نسخه که فردوسی از شاهنامه به خط خود نگاشته بود به چه سرنوشتی دچار شد، ولی می‌دانیم که آن اثر و آوازه‌ی سخن فردوسی به زودی به دربار محمود غزنوی رسید و محمود که دوست‌دار شعر و حماسه‌های ایرانی بود، نسخه‌ای از شاهنامه را از فردوسی درخواست کرد و شاعر، نسخه‌ای از اثر خود را برای هدیه به دربار محمود آماده ساخت که به قول استاد ایرج افشار:

نمی‌دانیم به خط فردوسی بود یا به خط کاتبی خوش‌نویس، مزین بود یا نبود، به چه اندازه بود، در هر صفحه‌اش چند ستون شعر نوشته شده بود و بالاخره جلدش از چه نوع بود...، به هر تقدیر، تردید نیست که فردوسی خود دست کم یک نسخه از شاهنامه را به دست خویش نوشته بوده است و مانند هر نویسنده و شاعری در آن تصرفات و کم و بیش‌هایی کرده بوده است.^۱

از همان آغاز، مشکلات تهیه‌ی کاغذ و استنساخ نسخه‌های شاهنامه و هزینه‌های سنگینی که برای این کار لازم بود، مردم را بیش‌تر به شنیدن و حفظ شاهنامه راغب می‌کرد و نقالان و شاهنامه‌خوانان در نشست‌های خصوصی یا همگانی، داستان‌های شاهنامه را برای مردم باز می‌گفتند و می‌خواندند و گاهی خود بر بخش‌هایی از آن چیزی می‌افزودند و یا بخش‌هایی را از آن حذف می‌کردند. مردم توانگر و آنان که می‌خواستند شاهنامه را به دقت و با حوصله بخوانند و به استماع سخن فردوسی، از دیگران، خشنود نبودند، به تهیه‌ی «متن» مکتوب شاهنامه می‌پرداختند. کار خطاطان بالا می‌گرفت و هزاران نسخه از شاهنامه، در گوشه و کنار ایران بزرگ و سرزمین‌های دیگر، یا در زمان‌های مختلف و به صورت‌ها و گونه‌های ساده و هنری نگاشته می‌شد و هر خانواده و

قبیله‌ی توانمندی در شهر و روستا، داشتن نسخه‌ای از شاهنامه را از دریاست‌های زندگی و وسیله‌ای برای شناخت فرهنگ و تمدن و اندیشه‌ی ملت خویش می‌دانست. در ایلات و عشایر، شاهنامه‌خوانان این کتاب گران قدر را سوار بر مرکب، برای ایل‌نشینان می‌خواندند و در سفر و حضر از آن برای آگاهی و بیداری و سرگرمی آنان سود می‌جستند و داستان‌های شاهنامه در نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و شعر و ادب ایرانی و در رزم و بزم و در حجره‌ها و گرمابه‌ها و جشن‌ها و سوگواره‌های ایرانی جا باز می‌کرد و همگان به این اثر بزرگ به عنوان میراثی فرهنگی و ملی و پاسخ‌گوی نیازی همگانی می‌نگریستند و پندها و حکمت‌های شاهنامه را بر در و دیوار و کتاب‌ها می‌نگاشتند و نام‌های پهلوانان و نام‌داران شاهنامه را بر فرزندان خویش می‌نهادند و کوه‌ها و دشت‌ها و شهرها را به نام‌های شاهنامه‌ای می‌خواندند. بدین ترتیب، در جامعه‌ی ایرانی پس از فردوسی، شاهنامه، جایی خاص یافت و به پدیده‌ای پویا، خلاق و پرمعنی بدل شد که از تولد تا مرگ، همراه زندگی و اندیشه‌های مردم ایران و پارسی‌زبانان بود و دیگر جز دیوان حافظ، کتابی به وسعت قبول و محبوبیت شاهنامه‌ی فردوسی در زبان فارسی پدید نیامد. راز جاودانگی شاهنامه در پایگاه مردمی آن بود.

بناهای آباد گردد خراب	ز باران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند	که از باد و باران نیابد گزند
نسیرم از این پس که من زنده‌ام	که تخم سخن را پراگنده‌ام
هر آن کس که دارد هُش و رای و دین	پس از مرگ بر من کند آفرین

در طول روزگاران، فردوسی به «معلم» فرهنگ ایرانی بدل شد و کتاب او بازتاب تفکر شکوهمند مردمی هوشمند گردید که در اوضاع و احوال خاص اجتماعی عصر خود، همیشه خواهان ایرانی یک پارچه و آباد و نیرومند، با مردم آسوده و سرفراز و آزاده و پاک اعتقاد بودند. فردوسی می‌خواست که مردم سرزمین وی، به خویشتن خویش باز گردند و نیک‌سرانجام و نیک‌اندیش باشند.

شاهنامه‌ی فردوسی در عین‌حال که روزگار شکوهمند و پرافتخار مردم مصمم و بااراده‌ی ایران را نشان می‌دهد که جهان را آباد و پررونق می‌خواهند:

شد ایران به کردار خرم بهشت	همه خاک عنبر شد و زرش خشت
جهانی به ایران نهادند روی	برآسوده از درد و از گفت‌وگوی
در و دشت گل بود و بام و سرای	جهان گشته پرسبزه و چارپای
همه رودها همچو دریا شده	به پالیز گل چون ثریا شده
جهان نو شد از فرزند ایزدی	ببستند گفتی دو دست بدی
ندانست کس غارت و ناختن	وگر دست سوی بدی آختن

طبیعی‌ست که کتابی با عظمت شاهنامه به تدریج به سرمایه‌ی معنوی یک ملت تبدیل شود و هر فارسی‌دانی در هزار سال گذشته، خود را به نوعی صاحب و مالک آن بشمارد و داستان‌های آن را قصه‌ی زندگی خویش بداند و خود را حافظ و نگهبان آن بشناسد و بخواهد که در تکمیل و تمیم و تصحیح و افزایش و کاهش متن آن، سهمی داشته باشد. حمدالله مستوفی که حدود سی صد سال پس از فردوسی می‌زیست، چون شنید که علی‌رغم آن‌که فردوسی شاهنامه را در شصت هزار بیت سروده است، ولی ابیات شاهنامه در روزگار وی کم‌تر از این مقدار است، بیش از پنجاه نسخه‌ی شاهنامه را فراهم آورد و بررسی کرد و کوشید تا نسخه‌یی از شاهنامه را ترتیب دهد که ۶۰ هزار بیت داشته باشد.

(سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، ص ۳۰۹)

همگان نیز، با هر عقیده و سلیقه و دین و نژادی که بودند، شاهنامه را از آن خود می‌شناختند و خود را محق به تغییر متن شاهنامه و افزایش و کاهش در آن می‌دانستند و کاتبانی با ذوق، یا بی‌ذوق، با سواد یا بی‌سواد به سلیقه‌ی خود، آزادانه، کلمات، ترکیبات، مصراع‌ها، بیت‌ها و داستان‌های شاهنامه را در دست‌نوشته‌های خویش تغییر می‌دادند و به نظر خود، شاهنامه را کامل‌تر می‌کردند و هرگز از شدت احساس تملک و یگانگی با شاهنامه و فردوسی، لحظه‌ای و از خود نمی‌پرسیدند که آیا فردوسی با آن همه امانت و دقت و وسواسی

که در نظم و شناخت داستان‌های گذشتگان داشت، اگر می‌خواست، خود نمی‌توانست این‌گونه اصلاحات را بر شاهنامه بیفزاید یا از آن بکاهد؟! و چنین بوده است، داستان هزارساله‌ی ملّت ما در همراهی و هم‌گامی و هم‌اندیشی با فردوسی و شاهنامه‌ی او.

در یک‌صد و پنجاه سال اخیر نیز، با همه‌ی تحولات و تبدلاتی که در اندیشه و نحوه‌ی زندگی ایرانیان و فارسی‌زبانان پدید آمده است، استقبال و توجه به شاهنامه‌ی فردوسی، هم‌چنان زنده و شاداب ادامه پیدا کرده است و رویکرد به شاهنامه، چاپ، تصحیح و متن‌پژوهی آن به صورت‌های مختلف، ساده و فاخر، روزافزون بوده است و خوشبختانه، هنوز هم ملّت ما به شاهنامه به عنوان سرمایه‌ی عمومی خود می‌نگرد با این تفاوت که باید شاهنامه را از دستبرد سلیقه‌های فردی حتّی خیرخواهانه و زیباپسندانه‌ی دوستان شاهنامه، مصون داشت و این سند گران‌بهای فرهنگ و ادب و تمدن ایرانی را به صورت متنی خالص و ناب و پاکیزه که به کلام و سروده‌ی خود فردوسی بسیار نزدیک باشد، خردمندانه و امانت‌دارانه تصحیح کرد و آن را از دخالت‌ها و تصرفاتی که در طول روزگار و با افزایش‌ها و کاهش‌های بسیار در آن انجام شده است، پیراست؛ و در عین حال باید توجه داشت که ممکن است بسیاری از تغییرات متنی شاهنامه، حاصل تجدیدنظرهایی باشد که فردوسی در طول سی‌سال نظم شاهنامه، در اثر خود پدید آورده است. جای خوشبختی‌ست که با امکانات علمی و فنی که در دوران ما فراهم است، قدیم‌ترین نسخه‌های شاهنامه و تحقیق و تصحیح علمی و محققانه‌ی آن‌ها قابل دسترسی‌ست و هم‌چنان که یان ریپکا در هزاره‌ی فردوسی در سال ۱۳۱۳ گفته است:

بزرگ‌ترین احترامی که مجمع ممتاز ما می‌تواند به مقام فردوسی بگذارد، این است که تصمیم قاطع گرفته شود که یک چاپ انتقادی از متن شاهنامه تهیه گردد، ما این را به شاعر، به شعر جهان و ایرانی و به عالم علم مدیون هستیم.

(هزاره‌ی فردوسی، ص ۷۸)

مرحوم فروغی نیز که از پیشگامان شاهنامه‌پژوهی در ایران است، ترتیب یک شاهنامه را که نسخه‌ای معتبر و حجت، شناخته شود، از واجبات می‌داند و معتقد است که حتی الامکان باید مشکلات و موانع این کار را از پیش یا برداشت.

(مقالات فروغی، ص ۵۴)

یکی از دردهای بی‌درمان که در ضمن تتبع در شاهنامه به آن برخورد می‌شود این است که ترتیب‌دهندگان نسخه‌ها، به هیچ وجه مقید نبوده‌اند که متابعت از اصل کلام فردوسی بنمایند و عمداً یا سهواً غلط نقل کرده‌اند.

(همان، ص ۶۵)

در بعضی موارد مشاهده می‌شود که فراهم‌کنندگان شاهنامه، داستانی را ناقص پنداشته و دریغ دانسته‌اند که به آن حالت بگذارند، پس به الحاق ابیاتی از گفته‌ی خود رفع نقص شاهنامه را نموده‌اند و در بسیاری از موارد، آن را اصلاح فرموده‌اند!! کسانی که تعصب دینی و مذهبی داشته‌اند، لازم دانسته‌اند در بعضی مواضع، اشعاری مبنی بر تدین و تشیع فردوسی [بر شاهنامه] بیفزایند....

یکی دیگر از علل تصرفاتی که در شاهنامه به عمل آمده، این است که از بس این کتاب مقبول و مطبوع واقع شده، بعدها هر شعر قابل توجهی از بحر متقارب را به فردوسی نسبت داده و داخل شاهنامه کرده‌اند، چنان‌که اشعار اسدی و سعدی و غیره در بعضی از نسخ شاهنامه دیده می‌شود و یک علت این کیفیت آن است که در سوابق ایام، بسیاری از اشخاص تمام یا قسمت‌هایی از شاهنامه را حفظ داشته‌اند و در روایت ذهنی آن‌ها اشتباهات واقع شده است.

(همان، ص ۶۷)

این تغییرات و تصرفات در شاهنامه تا بدان جا می‌رسد که شاهنامه‌شناس بزرگ معاصر ایران، شادروان استاد مجتبی مینوی، اظهار نظر می‌کند که:

شاهنامه، دو تاست، یکی شاهنامه‌ای که فردوسی سرود و دیگر شاهنامه‌ای که پس از مرگش، شاعران و کاتبان و مرشدان ساختند و آن‌چه را خواستند بدان افزودند. شعرها را اصلاح و جرح و تعدیل کردند و به صورتی که امروز می‌بینیم درآوردند، به طوری که حتی در شاهنامه‌های چاپی نیز که همه از روی نسخه‌ی انتخابی ترنر ماکان به طبع رسیده، توافق و هماهنگی به چشم نمی‌خورد. (فردوسی ساختگی و جنون اشعار قدما، ص ۱۲۰)

استاد مینوی نتیجه می‌گیرند که:

ما نباید به این انتظار بنشینیم که در ممالک دیگر برای ما شاهنامه تهیه کنند و به این خوش باشیم که در پایتخت کشور، خیابانی و میدانی به نام فردوسی داریم....

مرحوم خانلری، معتقد بود که:

درباره‌ی شاهنامه، کار بسیار باید کرد. در درجه‌ی اول، مسلماً یک چاپ دقیق انتقادی از شاهنامه لازم است. این برای ما هیچ پسندیده نیست که خارجی‌ها بیایند و برای ما نسخه‌ی دقیقی از شاهنامه تهیه کنند....

(همین کتاب، مقاله‌ی مرحوم خانلری)

و شادروان مسعود فرزند عقیده داشت که:

بنده به دست آوردن متن کامل و صحیح شاهنامه را حتی از گرفتن جشن یادبود برای فردوسی و ساختن آرامگاه برای او مهم‌تر و مفیدتر می‌دانم. ما منتهای احتیاج را به یک شاهنامه‌ی صحیح و کامل داریم.

(رک، مقاله‌ی شادروان فرزند در همین کتاب)

به هر حال، سرآغاز راه دور و دراز، شناخت واقعی شاهنامه، تثبیت متن شاهنامه است و خوشبختانه از آغاز دوران چاپ تا امروز، کوشش‌هایی فراوان در دستیابی به متن صحیح شاهنامه صورت گرفته است که به قول استاد ایرج افشار:

انتشار عده‌ای از این تبعات عالمانه، گویای اشکالات متن موجود بود و تحقیقات علمی که گویای اشکالات متن رایج موجود بود بالمال موجب توجه اصحاب ادب به تهیه‌ی متن انتقادی شاهنامه شد و به تدریج عده‌ای را بر این فکر متوجه ساخت که باید نسخ قدیم را شناخت و متن را از الحاقات و تحریفات بسیاری که در شاهنامه وارد شده، پیراست.

در تحقق این هدف، استاد دکتر خالقی‌مطلق، عقیده دارند که:

در تصحیح انتقادی، مصحح باید همواره چهار وظیفه‌ی تصحیح را نگاه دارد، یکی تصحیح واژه‌ها از گشتگی‌ها، دیگر تصحیح ترتیب مصرع‌ها و بیت‌ها، سوم، افزودن افتادگی‌های دست‌نویس اساس تصحیح و چهارم،

افکندن افزوده‌ها از متن و از میان این چهار وظیفه‌ی تصحیح شاهنامه،
وظیفه‌ی نخستین و چهارمین از همه دشوارتر و مهم‌تر است.

(گل رنج‌های کهن، ص ۱۲۷)

بدون دسترسی به متن صحیح شاهنامه، هر کاری را که درباره‌ی شاهنامه انجام دهیم، با شائبه‌ی این تردید بزرگ روبه‌رو خواهد بود که آیا ما برای تحقیقات خود به گفته و سخن واقعی فردوسی دسترسی داشته‌ایم و قضاوت‌های ما بر مبنای صحیح استوار بوده است یا خیر؟ و به همین دلیل است که نخست باید شاهنامه‌ای با متن اصیل و نزدیک به آنچه فردوسی سروده است داشته باشیم و سپس با اطمینان خاطر به شرح و تحقیق و رونمایه‌های شاهنامه بپردازیم.

آنچه شما خواننده‌ی گرامی در این مجموعه خواهید خواند، مقالات برگزیده‌ای است که به وسیله‌ی استادان بزرگ و شاهنامه‌شناسان ارجمند در سال‌های گذشته در آثار و مجموعه‌های مختلف نگاشته شده است و مسایل مربوط به کتابت، چاپ و تصحیح و تحقیق در شاهنامه را روشن می‌سازد... و ما نظر به اهمیت این مقالات و ضرورت آگاهی همگان از آن‌ها کوشیدیم تا هم‌زمان با برگزاری همایش بین‌المللی متن‌پژوهی در شاهنامه، آن‌ها را تدوین و در این مجموعه فراهم آوریم و به علاقه‌مندان شاهنامه تقدیم داریم. امید که این سمینار بتواند مساعی مشکور محققان را در تصحیح متن صحیح شاهنامه به ثمر بنشاند. شاید می‌توانستیم مقالات خوب دیگری را نیز بر این مجموعه بیفزاییم که متأسفانه ضیق وقت، اجازه‌ی این کار را نداد.

در این جا وظیفه‌ی خود می‌داند از همکاری‌های ارزنده‌ی جناب آقای دکتر اکبر ایرانی و همکاران ایشان در مرکز میراث مکتوب که در مدتی کوتاه وسایل چاپ این کتاب را فراهم آوردند صمیمانه سپاسگزاری نماید.

منصور رستگار فسایی

اردی‌بهشت ۱۳۸۵ - شیراز